



گونه‌شناسی مواجهه‌های منفی رفتاری در برابر آیات الهی

مرتضی اسکندری^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ سیدنادر محمدزاده^۲

فرهاد ادربیسی^۳

چکیده

قرآن کریم از انواع برخوردها و مواجهه‌ها با آیات خدا سخن می‌گوید؛ خواه آیات قرآن و خواه آیات آفرینش. مواجهه در برابر آیات الهی از اعتقاد آدمی نشأت می‌گیرد و در اعمال و رفتار او بروز داده می‌شود و بدین‌گونه برخوردها به دو گونه‌ی اعتقادی و رفتاری تقسیم‌بندی می‌گردند. برخی به‌صورت شایسته و مناسب در برابر آیات الهی رفتار می‌کنند و برخی برای رسیدن به مقاصد دنیوی خویش، حق آیات را زیر پا می‌گذارند و رفتارهای نامناسبی را در برابر آیات، از خود بروز می‌دهند. قرآن نیز بنا به تربیتی بودن مطالبش بر روی مواجهه‌های منفی و نامناسب بیشتر تأکید می‌کند و به ذکر جزئیات بیشتری در مورد برخوردهای منفی می‌پردازد. رفتارهای شایسته و بایسته همچون: دیدن و شنیدن آیات، تدبر، تفکر، تفقه و تعقل در آیات و تذکر از آنها، شکر، گریه، سجده و ازدیاد ایمان در برابر آیات، یقین به آنها و... رفتارهای ناشایست و ناپسند، مانند: کوری و کری در قبال آیات، بی‌توجهی و غفلت و اعراض از آنها، مجادله و خوض باطل در آنها، نسیان آیات، کوچک‌شمردن و استهزاء آنها، مرور از کنار آیات و بی‌توجهی به آنها، دریافت آیات و منسوخ‌شدن از آنها، فروختن آیات به بهای ناچیز، ظلم و مکر در حق آیات و بستن راه مردم به‌سوی آنها، کفر، جحد، الحاد، عناد و تکذیب آیات و... در این مقاله مواجهه‌های منفی رفتاری در برابر آیات الهی استخراج شده و بحث‌وبررسی در رابطه با ماهیت اصلی و حقیقی آنها صورت گرفته و در این راه از تفاسیر مختلف مخصوصاً تفاسیر عرفانی بهره‌مند شده است.

کلمات کلیدی

گونه‌شناسی، آیه، رفتار، ناشایست

۱- گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. mmns2020@gmail.com

۲- گروه ادیان و عرفان، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. (نویسنده مسئول) nmohammadzadeh35@yahoo.com

۳- گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. fzedrisi@yahoo.com

یکی از مهم‌ترین مسائلی که باعث رسیدن انسان‌ها به مقصد اصلی هدایت می‌شود توجه به آیات الهی است. آیاتی که برای انسان‌ها به‌عنوان نشانه‌ای از قدرت و وجود عظمت الهی فرستاده شده است. ولی آنها با بی‌توجهی و سهل‌انگاری در برابر آیات، موجبات گمراهی و ضلالت خویش را فراهم می‌کنند و از مسیر اصلی هدایت خارج می‌شوند.

امام صادق (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید:

«کسی که قرآن بخواند، ولی قلبش رقت پیدا نکند و در برابر خداوند خاضع نشود و در درون، حالت حزن و خشیت و هراس نیابد، شأن و جایگاه والای خدا را سبک شمرده است. بنگر که کتاب پروردگارت را چگونه می‌خوانی و با منشور خویش چه برخوردی داری و اوامر و نواهی آن را چگونه پاسخ می‌دهی و حدود و تکالیف آن را چگونه امتثال و فرمان‌برداری می‌کنی؟! در آیه‌های وعد و وعید، درنگ کن، در امثال و مواظ قرآن اندیشه کن. مبدا اقامه حروف و قرائت ظاهر، تو را در تباہ ساختن حدود آن بیندازد.»^۱

بر اساس این سخن گران‌قدر امام صادق (علیه‌السلام) باید توجه کرد که آیا با تلاوت آیات الهی و همچنین مشاهده آنها، آیا رقت قلب و خضوع دل و همچنین حزن و خشیت به سراغ انسان می‌آید یا آنکه تنها تلاوت آنها از زبان برمی‌آید و در همان جا متوقف می‌گردد. باید توجه کرد که آیا انسان خود را مخاطب آیات الهی قرار می‌دهد یا آنکه مواظ آن را مخصوص دیگران می‌داند درحالی‌که قرآن همه انسان‌ها را مخاطب قرار می‌دهد.

در اینجا سؤال‌های فراوانی پیش می‌آید، از جمله آنکه آیا انسان‌ها می‌توانند این برخوردها را کنترل کنند و زمینه‌های برخورد مناسب را در خود ایجاد کنند یا اینکه چگونگی مواجهه‌ها از قبل در وجود آدمی نهاده شده است؟ برخوردهای مثبت و منفی از منظر قرآن کدام‌اند؟ برخوردهای مختلف چه آثاری را در زندگی انسان‌ها پدید می‌آورد؟ و...

گونه‌شناسی برخوردها و مواجهه‌های مختلف در برابر انواع آیات الهی، یکی از مهم‌ترین موضوعات قرآنی است که تا به حال به‌صورت کلی به آن پرداخته نشده است. این عنوان می‌تواند هم برای کسانی که برای قرآن و آیه‌های الهی، حریم و حرمت قائل هستند، جالب باشد و هم برای کسانی که انواع مقابله و معارضه با قرآن را در پیش گرفته‌اند، موردتوجه قرار گیرد، تا با مروری مجدد بر حالات و رفتار خود اگر روزنه‌ی امید به بازگشت آنها هست، به دامن قرآن برگردند و خود را از گمراهی و انحراف نجات دهند.

تکیه اصلی این پژوهش در طرح و تبیین عناوین این رساله، بر اساس آیات قرآن بنا نهاده شده است و همچنین در جایی که لازم بوده، از ذکر احادیث و نظرات و گفتار اندیشمندان استفاده گردیده است. این پژوهش با روشی درون‌متنی به گردآوری آیات مرتبط در مورد هر برخورد و مواجهه در برابر آیات الهی پرداخته است. باتوجه به گستردگی موضوع در این پژوهش بیشتر به آیات قرآن استناد شده است. مباحث اصلی پژوهش در پرتو تدبیر در آیات و با استفاده از تفاسیر، کتاب‌های حدیثی و اخلاقی پژوهش گردیده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهشی

خداوند در جای‌جای جهان‌آفرینش، آیات و نشانه‌های قدرت خویش را به عرصه ظهور گذاشت تا بلکه انسان‌ها با برخورد مناسب در برابر آنها به راه هدایت دست یابند و به‌خاطر لطف و رحمت بی‌حدش نسبت به مخلوقات خویش، به آن نیز اکتفا نکند، بلکه پیامبران را به همراه آیات روشن و آشکار الهی مبعوث کرد تا بدین‌وسیله به انسان‌ها هشدار دهد و راه درست و صحیح را به آنها نشان دهد و قرآن را به‌عنوان معجزه جاوید الهی، برای هدایت همه انسان‌ها نازل کرد و در آیات گران‌قدرش، مطالبی را که برای قرارگرفتن انسان در مسیر صحیح لازم بود، متذکر شد.

خداوند بنا به مصلحت خویش بر آن است که بندگان واقعی را از دیگر انسان‌ها جدا سازد و عرصه را برای همه انسان‌ها پدید آورد تا بلکه آن‌ها صفات بالقوه‌ای که از صفات باری تعالی در آنها به ودیعه گذاشته شده است، به صفات بالفعل تبدیل کنند و در برابر مواجهه با آیات به حقایق الهی دست یابند، ولی انسان‌ها در برابر آیات و نشانه‌هایی که شماره آنها از قدرت انسان خارج است، رفتارهای متفاوتی را از خود بروز می‌دهند درحالی‌که آیات برای همه به یک صورت به نمایش گذاشته شده‌اند و آن انسان‌ها هستند که به صورت‌های گوناگون در برابر آنها رفتار می‌کنند.

خداوند در آیات بسیاری از قرآن کریم این نکته را خاطرنشان کرده است که خداوند علیم و حکیم آیات الهی را برای مردم بیان می‌کند تا آنها به حقایق آیات دست یابند و بدین‌وسیله در مسیر درست قدم بردارند: (وَيَبِّئُكَ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ)^۲

خداوند علاوه بر آن که آیات را به‌روشنی و وضوح بیان کرده آنها را به صورت‌های گوناگون آورده است تا این که انسان‌ها به‌سوی خداوند باز گردند و راه درست را پیدا کنند و به فهم آن بپردازند و به دلیل این راهنمایی، شکرگزار خداوند متعال باشند، ولی باز هم عده‌ی بسیاری از آنها از آیات الهی روی برمی‌گردانند: (... وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ)^۳

گونه شناسی مواجهه‌های منفی رفتاری در برابر آیات الهی/اسکندری، محمدزاده و ادیسی

مواجهه در برابر آیات الهی از اعتقاد آدمی نشأت می‌گیرد و در اعمال و رفتار او بروز داده می‌شود و بدین‌گونه برخوردها به دو گونه‌ی اعتقادی و رفتاری تقسیم‌بندی می‌گردند.

در این موضوع سؤال‌های زیادی مطرح گشته که به دلیل گستردگی مطلب نمی‌توان به همه آنها پاسخ داد و جا دارد در پژوهش‌های دیگر و با نگاه‌های متفاوت به آنها پاسخ داده شود و در این پژوهش تنها به سؤال «برخوردهای منفی رفتاری در برابر آیات الهی» پاسخ داده شده است.

از آنجاکه همه مخاطبان آیات الهی، در برابر آن رفتارهای متنوعی از خود نشان می‌دهند، ضروری است که در این حوزه به بررسی و تحقیق با روشی صحیح و نو پرداخته شود. این مبحثی کاملاً به‌روز است و به‌صورت درون‌متنی در میان آیات قرآن کریم، به جستجوی انواع مواجهه در برابر آیات الهی می‌پردازد. در مباحث کلامی جدید بحث‌های جدی در مورد مواجهه با قرآن مطرح است که به قرآن، نه به‌عنوان یک کلام و حیانی بلکه به‌عنوان یک تجربه نبوی نگاه می‌کنند که دیگر افراد هم بنا به شرایطی می‌توانند آن تجربه را داشته باشند و این موضوع ماهیت قرآن را تهدید می‌کند. این پژوهش بر آن است که با بررسی این‌گونه برخوردها با آیات الهی، نتایج و آثار آنها را بازگو کند و نشان دهد این‌گونه مواجهه‌ها در طول تاریخ و در زمان‌های مختلف از سوی انسان‌ها نشان داده شده است و همچنین زمینه این‌گونه مواجهه‌ها را معرفی کند تا با مدیریت ایجاد زمینه‌ها از چگونگی مواجهه‌ها در برابر آیات الهی مراقبت شود.

در این زمینه مطالعاتی بسیار و مقالاتی متعدد آن هم نه در زمینه گونه‌های برخورد با آیات، بلکه در زمینه آثار برخی از برخوردها نوشته شده است و یا اینکه به‌صورت اخلاقی به بررسی آنها پرداخته شده است که مطالعه‌ی آنها برای پیشبرد پژوهش مؤثر است. مانند:

۱. روش‌های هدایتی قرآن کریم، نوع نوشتار: پایان‌نامه، سال انتشار: ۱۳۷۲ سازمان (ها): دانشگاه تربیت‌مدرس* دانشکده علوم انسانی استاد راهنما: عباسعلی عمید زنجانی | دانشجو: تقی جاویدان |
۲. هدایت در قرآن، نوع نوشتار: مقاله‌های همایش‌های ایران، سال انتشار: ۱۳۶۱، عنوان نشر: تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی نویسنده: عبدالله جوادی آملی
۳. اضلال الهی و مصادیق آن در قرآن، سال انتشار: ۱۳۸۸ سازمان (ها): دانشگاه الزهراء علیهاالسلام* دانشکده الهیات و معارف اسلامی، استاد راهنما: فاطمه علایی رحمانی | دانشجو: حوا شیخ | مشاور: بی‌بی سادات رضی بهابادی
۴. مسیر هدایت (۹ صفحه - از ۳۷ تا ۴۵) مجلات: «قرآن و حدیث، رشد (آموزش قرآن)» تابستان ۱۳۸۸ - شماره ۲۵ نویسنده: رشیدی، مریم

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۷، بهار ۱۴۰۴

۵. عوامل ضلالت و گمراهی (۶ صفحه - از ۷ تا ۱۲) مجلات: «فلسفه، کلام و عرفان» «درس‌هایی از مکتب اسلام» بهمن ۱۳۶۰، سال ۲۱ - شماره ۱۱ «گلستان قرآن» دی ۱۳۸۰ - شماره ۱۰۴ «گلستان قرآن» دی ۱۳۸۰ - شماره ۱۰۴

۶. عوامل هدایت و ضلالت (۶ صفحه - از ۵ تا ۹ - از ۵۵ تا ۵۵) مجلات: «فلسفه، کلام و عرفان» «درس‌هایی از مکتب اسلام» اسفند ۱۳۶۰، سال ۲۱ - شماره ۱۲

۷. بازکاوی هدایت و ضلالت در قرآن فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۱ نویسنده: محمد امامی

۸. هدایت و بررسی موانع هدایت از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه / رشیدی، مریم، استاد راهنما: امینی، خلیل‌الله رشته گرایش: الهیات و معارف اسلامی، استاد مشاور: معارف، مجید دانشگاه: دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال

۹. استکبار از دیدگاه قرآن و حدیث، نوع نوشتار: پایان‌نامه، سال انتشار: ۱۳۸۲ دانشگاه علوم اسلامی رضوی استاد راهنما: محمد هادی معرفت | استاد مشاور: علی مهدی‌زاده | دانشجو: جعفر شکری صادقی

برخوردهای منفی رفتاری در برابر آیات الهی

برخوردهای منفی رفتاری به‌گونه‌ای از برخوردها در برابر آیات الهی گفته می‌شود که از اعتقادات آدمی نشأت گرفته و در رفتار انسان بروز می‌کند و بیشترین نوع برخوردها و مواجهه را شامل می‌شود. در ادامه به ذکر انواع آنها پرداخته خواهد شد.

تکبرورزیدن در برابر آیات الهی

یکی از برخوردهای منفی رفتاری در برابر آیات الهی استکبار و تکبرورزیدن در برابر آنها است که در آیات متعددی، به ذکر آثار و زمینه‌های آن پرداخته شده است. استکبار یکی از رفتارها و برخوردهای منفی است که زمینه و ریشه‌ی بسیاری از برخوردهای منفی دیگر به حساب می‌آید و کسی که این‌گونه برخورد را از خود نشان دهد ممکن است برخوردهای دیگری همچون رد و انکار، تکذیب، تعدی، اعراض و رویگردانی و... را نیز از خود بروز دهد. در آیه ۷۲ سوره زمر، فرشتگان عذاب از میان تمام رذایل انسان بر تکبر دوزخیان تأکید دارند، از این نکته می‌توان دریافت که سرچشمه اصلی گناهان، تکبر و تسلیم‌نشدن، در برابر حق است. در برابر، به قرینه آیه ۵۰ سوره نحل، می‌توان نشانه نفی استکبار را، عمل به اوامر الهی بدون چون‌وچرا دانست.

در واقع آنچه موجب زشتی تکبر انسان می‌شود، آن است که وی از حدّ خود تجاوز کرده و وارد محدوده صفات خاص خدا شده است. به عبارت دیگر، اصل و علت تکبر، جهل انسان نسبت به مرتبه

گونه شناسی مواجهه‌های منفی رفتاری در برابر آیات الهی/اسکندری، محمدزاده و ادیسی

حقیقی خویش و منسوب کردن صفات کمالی به خویش است.

طغیان صفت بدی است که باعث می‌شود انسان خود را از جایگاهی که هست بالاتر ببیند و از حد و حدود خود پا فراتر بگذارد؛ مانند قوم ثمود که به دلیل طغیان دست به کفر و تکذیب آیات الهی زدند.^۴ فرعون و سران قومش نیز، در برابر آیات خداوند تکبر ورزیدند، به دلیل این که آنها گروهی گردنکش بودند.^۵

غفلت از آیات

یکی دیگر از برخوردهای منفی رفتاری غفلت از آیات و یادکردن آیات است. غفلت از یاد خدا، سرمنشأ خود فراموشی و بیگانگی از خویشستن و سرآمد دردها و بیماری‌های بشر و زمینه اصلی همه گناهان و رذایل اخلاقی می‌باشد و به همین دلیل در روایت از آن به عنوان «أضر الاعداء» یاد شده است. خداوند متعال در قرآن کریم عنوان می‌کند که بسیاری از مردم نسبت به آیات الهی در غفلت به سر می‌برند.^۶ و در جای دیگر می‌فرماید: ای انسان‌ها از دسته گروه غافلان نباشید.^۷

در حقیقت، کردار ناشایست و ناپسند و انواع گناهان آثار بدی روی حس تشخیص و قوه درک انسان می‌گذارد و سلامت فکر را، به تدریج از او می‌گیرد، هر اندازه، شخص در این راه فراتر رود، پرده‌های غفلت و بی‌خبری بر دل، چشم و گوش او محکم‌تر می‌شود و سرانجام کارش به جایی می‌رسد که چشم دارد و گویی نمی‌بیند، گوش دارد و گویی نمی‌شنود و مانند اینکه دریچه روح او به‌سوی حقایق بسته شده است و حس تشخیص که برترین نعمت الهی است، از وی گرفته شده است. استمرار غفلت نیز، موجب «تکبر» و «انحراف» می‌گردد.

ظلم و ستم در برابر آیات

پس از کفر و تکذیب، که آنها نیز مصادیقی از ظلم می‌باشند، از رفتاری بدتر و سهمگین‌تر از «ظلم و ستم» در قرآن یاد نشده است. یکی از اوصاف ناپسند در قبال آیات الهی، «ظلم» به آنهاست و این ظلم چیزی نیست، مگر آنکه انسان در برابر آیات رفتار و دیدگاه شایسته نداشته باشد. ظلم یعنی بی‌توجهی به آیات و به‌وسیله آنها متذکر نشدن.^۸

در اینجا ظلم، عبارت است از اعراض در برابر آیات خدا و حقیقت اعراض هم چیزی جز بی‌توجهی به آیات نیست، بنابراین در برابر هر آیه - خواه آیات قرآن و یا آیات آفرینش - اگر نکته‌ها و نشانه‌های آن دریافت نشود و در پرتو آن به حقایق گوناگون نرسد، در حق آن آیه ظلم شده است و بلکه از یک نظر مصداق ظالم‌ترین انسان خواهد بود!

اطیب البیان می‌نویسد:

«در بین انواع ظلم، ظلم نسبت به آیات، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نوع ظلم است.»^۹

همچنین کافرانی که حقیقت را تکذیب کنند، جزو ستمگرین انسان‌ها به حساب می‌آیند و آنها به دلیل برخوردی که از خود در برابر آیات الهی نشان می‌دهند به ظالم‌ترین افراد مبدل خواهند شد.^{۱۰}

اعراض و رویگردانی از آیات

یکی دیگر از انواع برخوردهای منفی رفتاری در برابر آیات اعراض و رویگردانی از آیات الهی است که خداوند در قرآن کریم در آیات متعددی، به این موضوع اشاره کرده است. عده‌ای پس از آن که با خدا پیمان بندگی و فرمان‌برداری بسته بودند به آیات الهی پشت کردند، مانند یهودی‌ها که کتاب خدا را پشت سر انداختند درحالی‌که خداوند از آنها پیمان گرفته بود تا آیات را به‌وضوح برای مردم بیان کنند و از پنهان کردن آن خودداری کنند. ولی آنها عهدشکنی کردند و آیات گران‌بهای الهی را به بهایی ناچیز فروختند و پشت سر انداختند و با این کار به معامله‌ی بسیار بدی دست زدند.

آنها به سبب پاره‌ای از گناهان و فسق و فجوری که مرتکب شده بودند از تمام نشانه‌های خداوند اعراض و رویگردانی کردند^{۱۱} و نه تنها از آیات خدا، بلکه از پیامبر هم رویگردانی کردند. آنها پیامبر را دیوانه خطاب کردند و از او رویگردانی کردند^{۱۲} و با این کار نشان دادند که جایگاه پیامبر را به‌عنوان فرستاده‌ی خدا، به‌درستی نمی‌شناسند.

خداوند در قرآن کریم یادآور می‌شود که کسی که به آیات پند داده شود و از آن اعراض کند، ستمکارترین افراد است که دست‌آورد پیشینه خود را فراموش کرده است.^{۱۳}

در این آیه تکذیب و اعراض در کنار هم قرار گرفته است و هر دو گروه، جزو ستمکارترین افراد معرفی شده‌اند. (... فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بَايَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا...)^{۱۴}

اعراض و رویگردانی از آیات الهی زمینه‌ای را در انسان فراهم می‌کند که انسان خود را در برابر آیات بی‌نیاز می‌بیند و در این زمان شیطان نسبت به آنها طمع می‌کند؛ زیرا چنین شخصی زمینه نفوذ و سوسه‌های شیطان را در خود فراهم می‌سازد و شیطان از هر راهی بر او، ورود و نفوذ می‌کند و او را به انحراف می‌کشانند و در واقع او میدان را برای حضور شیطان هموار می‌سازد و خود را برای ایجاد و سوسه‌ی شیطان مهیا می‌نماید.

(وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ)^{۱۵}

در این آیه به روح لجاجت و بی‌اعتنایی و تکبر مشرکان در برابر حق و نشانه‌های خدا اشاره کرده،

گونه شناسی مواجهه‌های منفی رفتاری در برابر آیات الهی/اسکندری، محمدزاده و ادیسی

می‌گوید: آنها چنان لجوج و بی‌اعتنا هستند که هر نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگار را می‌بینند، فوراً از آن روی برمی‌گردانند زیرا آنها قصد فرمان‌برداری و در مسیر حق قرارگرفتن را نداشتند و هیچ نشانه‌ای نبود که آنها به آن پشت نکنند درحالی‌که اگر در آیات و نشانه‌های پروردگارت دقت می‌نمودند، حق را به‌خوبی می‌دیدند و می‌شناختند و باور می‌کردند.^{۱۶}

پشت‌کردن به آیات الهی و بی‌توجهی و اهمّیت ندادن به آیات به دلیل تکبری است که در برابر وجود آنها قرار دارد و این نشان از این موضوع دارد که تمام برخوردهای منفی به هم مرتبط هستند و برخوردهای منفی دیگر را در پی دارند.^{۱۷}

ممانعت مردم از راه‌یافتن به حقیقت

یکی دیگر از مواجهه‌های منفی رفتاری در برابر آیات الهی، بازداشتن مردم از راه خدا و به‌عبارت‌دیگر ممانعت آنها، از دستیابی به سمت درک، فهم آیات و رسیدن به راه هدایت است که انگیزه‌های دنیوی در شکل‌گیری آن نقش مؤثری دارد. مانعان راه خدا، به دلیل عدم رشد فکری و عقلی گمان می‌کنند که می‌توانند راه خدا را از بین ببرند و در این راه از مال و اموال خود خرج می‌کنند، درحالی‌که خداوند آنها را می‌بیند و از رفتار آنها غافل نیست و در انتها پیروزی با خداوند است. آنها با سوگندهای دروغین از خود دفاع می‌کنند درحالی‌که به ستم از حق منحرف شده‌اند.

آنها برای دستیابی به منافع دنیوی خود از تمام امکانات خود برای ازبین‌بردن راه هدایت تلاش می‌کنند و برای آیات الهی ارزش قائل نیستند. آنها ستمگران مفسدی هستند که به‌درستی راه خداوند، شاهد و گواه هستند؛ ولی آن را کج می‌شمارند و دروغ می‌گویند. آنها در این مسیر، نه‌تنها به خود بلکه به دیگران نیز ضربه می‌زنند.

قرآن مجید مردم را در برابر پیامبر اسلام (صلوات‌الله‌علیه) و آیات قرآن به دو گروه تقسیم می‌کند و می‌فرماید:

(فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا)^{۱۸}

این آیه هشدار می‌دهد که مردم را از ارزش‌های والای الهی و اسلامی مانع می‌شوند و از رسیدن به سعادت جلوگیری می‌کنند، یا اندیشه دینی مردم را ویران می‌سازند و آنان را منحرف می‌گردانند. این گروه در حقیقت دستیار شیطان و چون او فریبکار هستند و اگر در تقسیم مردم به دو گروه فرمود: بعضی ایمان آوردند، و بعضی کارشکنی کردند، و خلاصه اگر در مقابل ایمان آوردن، کارشکنی را آورده، برای این بود که یهودیان تنها به ایمان‌نیارودن اکتفاء نمی‌کردند، بلکه تمام کوشش

خود را به کار می‌زدند تا مانع ایمان آوردن مردم شوند و آنها را از هدایت، باز دارند. در قرآن کریم یهودیان گروهی معرفی می‌شوند که مردم را از راه خدا، بسیار باز داشتند درحالی‌که به درستی راه خدا گواه بودند و آن را کج می‌شمردند؛ زیرا آنها در گمراهی دور و درازی به سر می‌بردند.^{۱۹} آنها نه تنها مردم را از راه خدا باز می‌دارند حتی خودشان هم از آن دوری می‌کنند ولی نمی‌دانند که با این کار تنها خود را به هلاکت می‌اندازند.^{۲۰}

کتمان آیات الهی

یکی دیگر از برخوردهای منفی رفتاری در برابر آیات الهی کتمان و پنهان کردن آیات الهی است که در طول تاریخ از سوی کسانی که از آیات الهی آگاهی کامل داشتند نشان داده شده است. خداوند در ذیل آیات برای انسان‌ها متذکر می‌شود که اهل کتاب گروهی هستند که به خوبی، حقایق را می‌شناسند؛ چون تمامی خصوصیات پیامبر گرامی را در کتب خود دیده‌اند، ولی به صورت کاملاً آگاهانه آنها را پنهان می‌کنند تا قدرت و نفوذ خود را از دست ندهند و به خواسته‌های دنیوی خویش دست یابند.^{۲۱}

قرآن کریم به جایگاه بد کتمان پرداخته و به توبیخ و تقبیح کتمان‌کنندگان می‌پردازد، به عنوان مثال در آیه ۷۱ سوره آل عمران، اهل کتاب را از پنهان کردن حقایق الهی نهی می‌کند و بدین وسیله اهل کتاب را به دلیل کتمان حقایق، توبیخ می‌نماید.^{۲۲}

خداوند در قرآن به پنهان‌کاری‌های منافقین اشاره نموده و پرده از چهره‌ی آنان بر می‌دارد و از آگاهی خود از آنچه که پنهان می‌کنند خبر می‌دهد. یکی از مهم‌ترین راه‌های دوری از این رفتار، آگاه و ناظر دانستن خداوند بر همه امور است و انسان، همیشه باید خداوند حکیم را ناظر بر جزئیات اعمال و افکار خود دیده و بداند که آن چه از او سر می‌زند، در کتاب الهی محفوظ خواهد بود.^{۲۳}

(وَلْيَعْلَمِ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا... يَقُولُونَ بِأَفْوَهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ)^{۲۴}

از آنجاکه تکامل یک جامعه در گرو دانایی افراد آن می‌باشد خداوند نیز از دانشمندان جامعه تعهد گرفته است که حقایق را از مردم پوشیده ندارند.^{۲۵}

توجه به ماده "تبیین" در آیه فوق، نشان می‌دهد که منظور تنها تلاوت و یا نشر کتب آسمانی نیست، بلکه منظور این است که حقایق آنها را آشکارا در اختیار مردم بگذارند تا به روشنی همه توده‌ها از آن آگاه گردند و آنها که در تبیین آیات کوتاهی کنند، مشمول همان سرنوشتی هستند که خداوند در این آیه و مانند آن برای علمای یهود بیان کرده است،^{۲۶} این خود دلیل مهمی برای اهمیت این مطلب می‌باشد.

گونه شناسی مواجهه‌های منفی رفتاری در برابر آیات الهی/اسکندری، محمدزاده و ادیسی

از آنجا که کتمان حقایق اثر منفی در برنامه الهی ایجاد می‌کند و موجب نقص و محو قسمتی از آیات کتاب آسمانی می‌شود، آن هم آیاتی که از اصول و پایه‌های دین و کتاب آسمانی محسوب می‌گردد، لذا این امر از کفر بالاتر، عمیق‌تر و مؤثرتر می‌باشد، زیرا کفر در مراحل اولیه اثری در متن برنامه الهی وارد نکرده،^{۲۷} لذا آثار مخرب زیادی را در پی دارد.

عهدشکنی در برابر آیات

یکی دیگر از مواجهه‌های منفی رفتاری در برابر آیات الهی عهدشکنی نسبت به آنهاست. در قرآن کریم به اهمیت عهد و پیمان و وفای به عهد تأکید شده است و اشاره شده است که از عهد سؤال می‌شود^{۲۸} و خداوند از آن چه که انجام می‌دهید آگاهی دارد و این چنین به وسیله آیات به ارزش وفای به عهد و دوری از پیمان شکنی اشاره کرده است.

شاید بتوان گفت که عهدشکنی در مورد آیات نوعی خیانت نسبت به آنها محسوب می‌گردد و در قرآن کریم و روایات اسلامی از خیانت مذمت شده است و در آیات مختلفی از عدم محبوبیت خداوند نسبت به آنها سخن به میان آمده است^{۲۹} و این که خداوند مکر آنها را هدایت نمی‌کند^{۳۰} و از خیانت آنها آگاهی دارد.^{۳۱}

جدال در برابر آیات الهی

یکی دیگر از مواجهه‌های منفی که بشر در برابر آیات الهی از خود نشان می‌دهد، جدل و مجادله در برابر آنهاست که در آیات قرآن کریم از انگیزه‌ها و آثار این رفتار مخرب سخن به میان آمده است. بحث و گفتگو و استدلال و مناقشه در گفتار دیگران اگر به منظور روشن شدن حق، نشان دادن راه، و ارشاد جاهل باشد، عملی پسندیده و شایسته تقدیر است، بلکه در بسیاری از موارد واجب است. قرآن هرگز با بحث و گفتگوی روشن‌گرانه و استدلال برای تبیین حق مخالفت نکرده است، بلکه در آیات زیادی آن را عملاً تثبیت نموده است. در بسیاری از موارد از مخالفین مطالبه برهان و دلیل می‌کند، و می‌گوید استدلال خود را بیاورید.

در حالی که طرفداران باطل برای به کرسی نشاندن سخنان بی‌اساس خود دست به مجادلات زشتی می‌زدند و با انواع سفسطه‌ها و بهانه‌جوئی‌ها، تلاش برای ابطال حق و اغوای مردم ساده‌دل داشته‌اند، سخره و استهزا، تهدید و افترا و انکار بدون دلیل از روش‌های معمولی اقوام گمراه و سرکش در مقابل پیامبران، و استدلال منطقی و آمیخته با مهر و محبت روش پیامبران الهی بوده است.

برخی از کافران به وسیله‌ی مجادله و جدال به باطل، به پایمال کردن حق و ریشخند و استهزا آیات

می‌پرداختند، درحالی که پیامبران جزبشارت‌و انذار وظیفه‌ی دیگری درقبال هدایت مردم نداشتند.^{۳۲} کافران برای اینکه حق را بپوشانند به باطل مجادله می‌کنند و این رفتار آنها، زمینه‌ای برای استهزا آیات به شمار می‌رود. آنها مجادله‌ی به باطل می‌کنند تا حق را پایمال کنند و بدین‌وسیله آیات خدا را به ریشخند می‌گیرند. آنها جدال نمی‌کنند تا به حقیقت دست یابند؛ بلکه مجادله می‌کنند تا حق را از بین ببرند.

کوری و کری در برابر آیات

یکی دیگر از برخوردهای منفی رفتاری در برابر آیات الهی، کوری و کری در برابر آنهاست. کسانی که در برابر آیات الهی کفر می‌ورزند زمانی که به‌سوی خدا دعوت می‌شوند و آیات الهی به آنها تذکر داده می‌شود چیزی نمی‌شنوند. خداوند مقام آنها در حدّ حیوانی می‌داند که تنها صداهای مبهم را می‌شنوند و در جواب، تنها فریاد و بانگ سر می‌دهند و سخنی نمی‌توانند بگویند. آنها قادر به شنیدن، دیدن و سخن گفتن در مورد حقیقت نیستند.

آنها به دلیل اعتقاد نداشتن به آخرت گمان کردند کیفری در کار نخواهد بود، پس نسبت به آیات بی‌توجهی کردند و خود را به کوری و کری زدند درحالی که خداوند به اعمالی که آنها انجام می‌دهند، ناظر و بیننده است. با اینکه خداوند به آنها رو کرده بود باز هم کور و کر شدند و سعی نکردند به آیات و نشانه‌هایی که خداوند برای هدایت آنها فرستاده بود، نظر کنند.

برخی از آنها منافقانی هستند به دلیل انجام یک سری از گناهان، روی دلشان پرده افتاده بود آنها از هوس‌هایشان پیروی می‌کنند و به دلیل دورویی در رفتار و عدم صداقت، خداوند بر دل‌های آنها مهر زده به همین دلیل با اینکه به سخنان پیامبر گوش می‌دادند؛ ولی باز مفاهیم آن را نمی‌فهمیدند و به علت بار گناهان که در گوششان ایجاد سنگینی کرده بود، متوجه تذکرات پیامبر نمی‌شدند و با دیدن هر معجزه‌ای باز هم ایمان نمی‌آوردند. شاید آنها در مقابل آیات خود را به کوری و کری نزنند و بخواهند آنها را بشنوند؛ ولی به‌خاطر نیت بد و گناهان و رفتار دوگانه نمی‌توانند مطالب آن را دریابند.

آنها بدترین جنبندگانی هستند که در برابر آیات الهی، کروکور و لال شدند و به علت متوجه نشدن تذکرها و ندیدن نشانه‌ها، هیچ‌گاه به راه نمی‌آیند و هدایت نمی‌شوند. آنها چشمان و گوش‌های سالمی دارند ولی چشم دل و گوش جان‌شان، کور و کر است و هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را بینا و شنوا کند.

استهزا آیات

استهزا و ریشخند، یکی دیگر از برخوردهای منفی رفتاری در برابر آیات الهی و انبیای الهی است که

گونه شناسی مواجهه‌های منفی رفتاری در برابر آیات الهی/اسکندری، محمدزاده و ادیسی

توسط انسان‌ها نشان داده شده است و در قرآن کریم از زمینه‌ها و آثار این برخورد سخن به میان آمده است. در آیه‌ی ۳۰ سوره یس خداوند بیان می‌کند که تمام فرستادگان توسط انسان‌ها به‌ریشخند گرفته شده‌اند و این نمونه برخورد منفی در برابر تمام فرستادگان و در مورد آیات الهی صورت گرفته است.

آیاتی که در قرآن سخن از استهزا به میان آورده، بیشتر مربوط به حوزه عقیده و دین بوده که در آن، جبهه مخالف انبیای الهی، مؤمنان، وحی، آیات قرآن، احکام عبادی، معاد، پیامبران و حتی خداوند را به تمسخر گرفته و از استهزا به صورت حربه‌ای برای رویارویی با دین الهی بهره می‌جستند. افزون بر این، در آیاتی دیگر خداوند سبک شمردن دین و نادیده گرفتن احکام الهی از جانب مسلمانان را نوعی استهزا دانسته است و آنان را از چنین برخوردی برحذر داشته است.^{۳۳}

در مجموع این آیات، قرآن ضمن بیان حکم استهزا و منشأ آن، آثار و پیامدهای این برخورد مذموم رفتاری را برشمرده است. خداوند استهزاگران آیات الهی را ستمکار شمرده و پیامبر را از همنشینی با آنان منع کرده است.

استهزا آیات زمینه غفلت و فراموشی را در انسان بارور می‌کند و آدمی را از یاد خدا غافل می‌سازد؛

(فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمُ ذِكْرِي وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ)^{۳۴}

به همین سبب خداوند نیز در قیامت آنان را فراموش می‌کند. "نسیان" در این آیه کنایه است از اعراض و بی‌توجهی و نسیان خدا در قیامت از کفار به این است که خدا از ایشان اعراض می‌کند، و آنان را در شدائد و احوال قیامت وامی‌گذارد و نسیان کفار نسبت به روز قیامت به این است که در دنیا از یاد قیامت و آماده شدن برای آن روز اعراض می‌کردند.^{۳۵}

ابن عباس و حسن و مجاهد گویند:

«یعنی امروز آنها را در عذاب باقی می‌گذاریم، همان‌طوری که آنها خود را برای چنین روزی آماده نکردند. جبائی گوید: یعنی با آنها معامله کسی می‌کنیم که در آتش به دست فراموشی سپرده شده است، نه او را اجابت می‌کنیم و نه او را رحم! همان‌طوری که آنها هم در دنیا از تفکر و اندیشه و تحصیل دانش نسبت به مطالب دینی خودداری و همه چیز را فراموش کردند و شاید فراموشی خداوند نسبت به آنان رها کردن آنها در آتش جهنم و یاری نکردن آنها باشد.»^{۳۶}

افترا

یکی دیگر از مواجهه‌های منفی رفتاری در برابر آیات الهی افترا و دروغ خواندن آنهاست که در اصل این‌گونه برخورد افترا بستن به خدا را به همراه دارد. افترا نسبت به انبیای الهی، افترا بر خداست. آنان

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۷، بهار ۱۴۰۴

به پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) گفتند: «سحر مبین»، خداوند عمل آنان را افترا بر خدا معرفی می‌کند. کسی که به خدا افترا ببندد ظالم است و به دلیل این ظلمی که مرتکب می‌شود هدایت و رستگاری را از دست خواه داد و از طرف خدا مورد لعن و نفرین قرار می‌گیرد و با این برخورد نامناسب در برابر خدا به خود زیان زده و از خسران دیدگان به حساب می‌آید.

تکذیب‌کنندگان کتاب خدا را چیزی که پیامبر از نزد خود آورده، خواندند و معجزه بودن آن را انکار کردند و ارزش آیات الهی را پایین آوردند و بهتان و ظلم بزرگی را به پیش آوردند.^{۳۷}

خداوند در قرآن کریم از وجود گروهی از مردم خبر می‌دهد که کتاب تحریف شده‌ای را به خدا نسبت می‌دهند، درحالی‌که خودشان به‌خوبی می‌دانند که آن مطالب از خداوند نیست و با این افترا سعی در تحریف دین دارند، تا بدین‌وسیله به مقاصد شوم خویش دست یابند.^{۳۸}

افترازنندگان ستمکارترین افراد هستند که بر خدا دروغ می‌بندند و خداوند هم آنها را به سبب رفتارشان لعنت می‌کند و از رحمت خود دور می‌کند. آنها در قیامت با همان دروغی که به خدا می‌بستند در محضر حق حاضر می‌شوند و گواهان هم برای‌آنکه بر علیه آنها شهادت دهند حاضر می‌شوند. آنها ستمکارانی هستند که از سعادت و رستگاری بهره‌ای نمی‌برند، زیرا با دروغ‌هایی که به خداوند نسبت دادند، در مسیر هدایت دیگر انسان‌ها خلل ایجاد کردند و با این کار نه‌تنها به خود، بلکه به دیگران نیز ستم کردند و بزرگ‌ترین ظلم، جلوگیری از رشد و معرفت و حق‌گرایی و عبادت مردم است و بدترین نوع ظلم آن است که بر ظالم، اتمام حجت شده باشد و او ظلم کند.

آنها با این ستم، لعنت خدا را برای خود خریدند و باعث شدند به گمراهی دور و درازی گرفتار شوند که هیچگاه از آن برنخواهند گشت.^{۳۹}

مکر در برابر آیات

مکر یکی از برخوردهای منفی رفتاری است که از انسان‌ها در برابر آیات الهی رخ می‌نماید و از زمینه‌های آن به ناشکری و غفلت از ثبت و ضبط اعمال و عدم شناخت خدا می‌توان اشاره کرد. آنها خدا را آن‌گونه که باید بشناسند نشناخته‌اند به همین دلیل گمان می‌کنند می‌توانند خدا را فریب بدهند در صورتی که خداوند مکر آنها را به خودشان باز می‌گرداند و به گفته‌ی قرآن مکر آنها جز در گمراهی نیست.^{۴۰}

دلیل شکست مکاران در برابر حق آن است که خداوند عالم و محیط بر همه چیز است و مکر و نیرنگ در برابر او امکان ندارد. خداوند در قرآن کریم یادآور می‌شود که برخی از مردم پس از چشیدن

گونه شناسی مواجهه‌های منفی رفتاری در برابر آیات الهی/اسکندری، محمدزاده و ادیسی

رحمت الهی به جای تشکر و شکر از نجات‌پیدا کردن از آسیبی که به آن گرفتار بودند نسبت به آیات الهی شروع به مکر و نیرنگ درباره آنها می‌کنند. در صورتی نیرنگ و مکر خداوند سریع‌تر از آنهاست و این‌گونه برخورد و رفتار در برابر آیات توسط فرشتگان ثبت و ضبط می‌شود و در قیامت به آن رسیدگی خواهد شد. منافقان،^{۴۱} کافران،^{۴۲} نسبت به آیات الهی مکر می‌کنند و گمان می‌کنند این کار از آنها بر می‌آید؛

(وَ إِذَا أَدْقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَّسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَّكْرٌ فِيْ ءَايَاتِنَا)^{۴۳}

مکر غیر خداوند در قرآن کریم در برابر حق است که گاهی در برابر خداوند بیان شده، گاهی در برابر پیامبران و گاهی در برابر مؤمنان، اما سؤال این است که آیا مکر زدن به خداوند امکان دارد؟ و اگر ممکن است، منظور از آن چیست؟ جواب این است که منظور از مکر و حيله زدن به خدا نمی‌تواند به صورت واقعی باشد، چون در معنای مکر قید مخفی بودن و ضرر رساندن لحاظ شده است. درحالی که چیزی برای خداوند مخفی نیست و کسی نمی‌تواند به خدا ضرر برساند.^{۴۴}

به فراموشی سپردن آیات الهی

یکی دیگر از برخوردهای منفی رفتاری در برابر آیات الهی، به فراموشی سپردن آنهاست. خداوند در قرآن کریم یادآور می‌شود که منافقان همان فاسقانی هستند که خدا را فراموش کردند و خدا هم به سبب رفتارشان آنها را فراموش کرد.^{۴۵} آنها نه تنها خدا را فراموش کردند؛ بلکه خودشان را هم فراموش کردند،^{۴۶} آنها همچنین آیات الهی را نیز فراموش کردند به همین دلیل در روز قیامت فراموش خواهند شد.^{۴۷}

فاسقان مدام پیمان‌شکنی می‌کنند و این برخورد آنها با آیات باعث می‌شود، مواردی را که به آنها تذکر داده شده بود، به فراموشی سپارند و به همین دلیل، دشمنی و کینه در میان آنها تا روز قیامت قرار گرفت.^{۴۸} روشن است که فراموشی اگر طبیعی باشد، انسان معذور بوده و عقاب کردن چنین شخصی درست نیست، اما اگر فراموشی در اثر سوءاختیار و از روی عمد باشد، انسان معذور نیست و خداوند در قبال این فراموشی او را عقاب خواهد کرد، چرا که شخص با اختیار خودش مقدمات فراموشی را فراهم نموده و به عمد اوامر خدا را ترک کرده است.^{۴۹} چه بسا ممکن است موضوع موردنظر مانند اوامر و نواهی الهی در ذهن انسان حاضر باشد، اما چون به آن اهمیتی نداده و عمداً ترک کرده، در قلب این شخص هیچ اثری نداشته و حال وی هیچ تفاوتی با حال شخص فراموش‌کار نخواهد داشت.^{۵۰} نسیانی که به خداوند نسبت داده شده، از این نوع است، یعنی زمانی که بنده‌ای آیات خدا را فراموش

نماید و از یاد پروردگار اعراض کند، بر خداست که آن بنده را، با قطع توجه و اعراض از او مجازات نماید.^{۵۱}

اوهام و افسانه خواندن آیات

یکی دیگر از برخوردهای منفی که زیر مجموعه دیگر برخوردها به حساب می‌آید دانستن آیات به عنوان اوهام و افسانه است که معمولاً از کافران سر می‌زند و ریشه آن را باید در کفر جستجو کرد. این برخورد، معمولاً باتکیه بر گمان و بی‌سوادی شکل می‌گیرد. کافران زمانی که با پیامبر به مجادله می‌پرداختند باتکیه بر گمان، آیات الهی را افسانه پیشینیان می‌خواندند.

آنها به دلیل انجام برخی از گناهان بر دل‌هایشان، پرده و در گوش‌هایشان، سنگینی ایجاد شده بود و قادر به درک آیات و مفاهیم والای آن نبودند و با دیدن تمام معجزات و نشانه‌های الهی باز ایمان نمی‌آوردند. آنها دل‌هایی دارند که در غلاف است و از درک آیات غافل هستند. آنها به دلیل عدم درک مطالب، آنها را افسانه می‌خواندند.^{۵۲} آنها تا جایی از درک آیات غافل بودند که گمان می‌کردند آوردن مانند آیات، کار ساده‌ای است و از عهده‌ی آنها بر می‌آید و اگر آنها درک و فهم درستی از آیات و مفاهیم آن، داشتند هرگز چنین سخنی نمی‌گفتند؛

کجروی و انحراف پس از روشنگری

عده‌ای پس از آمدن دلایل آشکار دچار لغزش می‌شوند درحالی‌که خداوند، توانای حکیم است و لغزش آنها پس از روشنگری، موجب کژی راه خدا نمی‌شود؛

(فَإِنْ زُلْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)^{۵۳}

عده‌ای در فهم و ارائه آیات کژروی می‌کنند و خداوند آنچه را که آنها انجام می‌دهند، می‌بیند و می‌داند چه کسی از راهش منحرف شده است و به مقایسه عاقبت آنها با کسانی که دچار لغزش نمی‌شوند، می‌پردازد و انسان‌ها را از این که می‌توانند در عاقبت خود تأثیرگذار باشند خبر می‌دهد. آسوده‌خاطر بودن در قیامت یا افکنده شدن در آتش، اختیار با خود انسان است که چگونه عمل کند و در انتهای آیه به این که خداوند بینا است اشاره می‌کند که درست است که انتخاب با شماست، ولی توجه داشته باشید که خداوند شما را می‌بیند و بر اساس آنچه که انجام می‌دهید شما را جزا می‌دهد و خداوند، بهتر از هر کس دیگری می‌داند چه کسی از راه او منحرف شده است.^{۵۴}

پافشاری بر روی عقاید باطل

یکی دیگر از برخوردهای منفی رفتاری در برابر آیات الهی، اهمّیت ندادن به آیات الهی و پافشاری بر روی عقیده باطل است و به بیانی دیگر، ندیدن حقیقت و پیروی کورکورانه از آباواجداد است. این‌گونه افراد در برابر آیات تعقل نمی‌کنند و سعی نمی‌کنند، حقیقت را ببینند و نگاهی دوباره به اعتقادات خویش داشته باشند و گمان بر نادرستی اعتقادات خود داشته باشند. آنها برای راحتی خویش و برای آن که می‌دانستند اعتقادات و آیات صحیح، جلوی خوشگذرانی آنها را خواهد گرفت، از قبول آیات سرباز می‌زدند و به راه هدایت و آیات الهی بی‌اعتنایی می‌کردند و بر عقاید باطل خود پافشاری می‌کردند و حاضر نبودند از حصار تعصبات خانوادگی خویش به بیرون بنگرند تا حقایق را دریابند.^{۵۵}

خوض باطل در مورد آیات

یکی دیگر از برخوردهای منفی رفتاری در برابر آیات خوض باطل در مورد آیات است و آن شامل مجالس کسانی می‌شود که به قصد ازبین بردن آیات به آنها می‌پردازند و سخنانی بیهوده در مورد آنها به زبان می‌آورند و آیات الهی را به استهزا می‌گیرند. آنها در قیامت و در صحرای محشر به‌گونه‌ای می‌دوند که گوئی به‌سوی بت‌هایشان می‌دوند و این در حالی است که چشم‌های آنها از شدت هول و وحشت به زیر افتاده است و خاضعانه نگاه می‌کنند و حجابی از ذلت و خواری تمام وجود آنها را دربرگرفته است. کسانی که در آیات الهی خوض باطل می‌کنند، به دلیل پرداختن به مطالب بیهوده، از پرداختن به حقایق هستی و توجه به آیات باز می‌مانند و از آیات الهی رویگردانی می‌کنند؛^{۵۶}

اختلاف در مورد آیات

یکی دیگر از برخوردهای منفی رفتاری در برابر آیات الهی اختلاف در مورد آنهاست و خداوند متعال، اختلاف‌کنندگان در مورد آیات الهی را، گرفتار درگیری طولانی می‌داند که پایانی برای آن در دنیا نخواهد داشت و اختلاف آنها تا روز قیامت برطرف نخواهد شد تا آن که خداوند در روز قیامت در مورد آنچه اختلاف می‌کردند میان آنها داوری خواهد کرد، زیرا خداوند آیات را به حق نازل کرده است و برای کسانی که در مورد آیات الهی ایجاد اختلاف و ناهماهنگی می‌کنند عذابی سهمگین آماده کرده است.

اختلاف‌کنندگان، پس از آنکه علم و آگاهی به آیات پیدا می‌کردند، در مورد آنها اختلاف کردند و اختلاف آنها از روی نادانی و بی‌اطلاعی نبود؛ بلکه از روی حسادت و رقابت میان خودشان بود.^{۵۷}

ابطال و تخریب آیات

یکی دیگر از مواجهه‌های منفی در برابر آیات الهی ابطال و تخریب آنهاست. کافران و تمام کسانی که در برابر آیات الهی برخورد مناسبی از خود نشان ندادند، در اصل سعی در ابطال آیات دارند که در انتها همه آنها شکست خورده و ناامید دچار زیان و خسران جبران‌ناپذیری خواهند شد.

کافران از این که هشداردهنده‌ای از خودشان برای هدایت آنها آمده است در شگفت بودند و به پیامبر خدا نسبت ساحر دروغگو می‌دادند^{۵۸} و با این کار سعی در تخریب و ازبین‌بردن آیات الهی داشتند.

تحریف آیات

گروهی از انسان‌ها، سخنان خدا را می‌شنیدند سپس بعد از آگاهی از مطالب، آن را تحریف می‌کردند درحالی‌که به‌درستی آن ایمان داشتند و با ایجاد اختلال در دین، ضربه محکمی به ستون دین وارد کردند.^{۵۹}

تحریف‌کنندگان، دین را به فرقه‌ها و قطعه‌های متعددی تقسیم کردند و هر گروه به آن چه که نزد خود داشت، دل‌خوش کردند و از مطالعه مطالبی که نزد فرقه‌های دیگر بود خود را بی‌نیاز می‌دیدند و خود را هدایت‌یافته و بر حق می‌دانستند.^{۶۰}

نتیجه‌گیری

طبق نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش برخوردهای اعتقادی به برخوردهایی گفته می‌شود که از ذهن و فکر آدمی نشأت می‌گیرد و برخوردهای رفتاری به برخوردهایی گفته می‌شود که در مرحله پس از برخوردهای اعتقادی قرار گرفته است و از ذهن و فکر انسان به اعضاء و جوارح او منتقل شده است و در اعمال و رفتار انسان بروز داده می‌شود. قرآن قصد تربیت و تعلیم دارد و برای آنکه انسان‌ها را به راه درست و صحیح رهنمون کند نیاز است در مورد راه نادرست و رفتار غلط تأکید بیشتری داشته باشد و حتی جزئیات آن را به‌صورت کامل و دقیق بیان کند تا بدین‌وسیله ریشه‌های آن را در آدمی خشک کند به همین دلیل زمانی که در مورد برخوردها و مواجهه‌های نامناسب صحبت می‌کند با لحنی تند و کوبنده و با ذکر جزئیات فراوان در مورد آنها سخن می‌گوید و زمانی که در مورد مواجهه مناسب سخن می‌گوید تنها با اشاره‌ای کوتاه از آن گذر می‌کند، زیرا قلب سلیم تنها با اشاره‌ای کوتاه راه درست را در پیش می‌گیرد و رفتار صحیح را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهد.

گونه شناسی مواجهه‌های منفی رفتاری در برابر آیات الهی/اسکندری، محمدزاده و ادیسی

منابع

- (۱) قرآن (ترجمه فولادوند)
- (۲) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق
- (۳) طیب، سید عبدالحسین، تفسیر اطیب البیان، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ ش
- (۴) مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۰ ش
- (۵) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش
- (۶) طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق
- (۷) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه و تحقیق: رضا ستوده، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ ش
- (۸) جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، تنظیم و ویرایش: علی اسلامی، قم، اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش
- (۹) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ ق
- (۱۰) مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۱
- (۱۱) نهج‌البلاغه، قم، انتشارات دارالهجره

یادداشت‌ها:

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۸۹، ص ۲۰۷.
۲. نور/ ۱۸.
۳. احقاف/ ۲۷. و نیز ن.ک. اسراء/ ۴۱. اعراف/ ۵۸. انعام/ ۱۰۵. انعام/ ۶۵. انعام/ ۴۶.
۴. شمس/ ۱۱. (كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا)
۵. مومنون/ ۴۶. (إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَملَّئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ)
۶. یونس/ ۹۲. (... وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ)
۷. اعراف/ ۲۰۵. (... وَ لَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ)
۸. سجده/ ۲۲. (وَمَن أظْلَمُ مِمَّنْ ذَكَرَ آيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا ...)
۹. طیب، سید عبدالحسین، تفسیر اطیب البیان، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ ش، چاپ دوم، ج ۱۰، ص ۴۶۶.
۱۰. زمر/ ۳۲. (فَمَن أظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالْصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ)
۱۱. شعرا/ ۵. و نیز ن.ک. یس/ ۴۶.
۱۲. دخان/ ۱۴. (ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مِّثْلُنَا مَجْنُونٌ)

۱۳. کهف/ ۵۷. (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ . . .)
۱۴. انعام/ ۱۵۷.
۱۵. اعراف/ ۱۷۵.
۱۶. انعام/ ۴. (وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ) و نیز ن. ک. شعرا/ ۵. یس/ ۴۶.
۱۷. مدثر/ ۲۳. (ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ)
۱۸. نساء/ ۵۵.
۱۹. ابراهیم/ ۳. (. . .) وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ و نیز ن. ک. آل عمران/ ۹۹.
۲۰. انعام/ ۲۶. (وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ)
۲۱. بقره/ ۱۴۶. (الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ)
۲۲. آل عمران/ ۷۱. (يا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ)
۲۳. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۰ ش، نوبت چاپ: اول، ج ۲، ص ۲۱۳.
۲۴. آل عمران/ ۱۶۷.
۲۵. آل عمران/ ۱۸۷. (وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ. . .)
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، چاپ اول، ج ۳، ص ۲۰۷.
۲۷. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، پیشین، ج ۲، ص ۳۳۴.
۲۸. اسراء/ ۳۴. (. . .) وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا. . . و نیز ن. ک. نحل/ ۹۱. بقره/ ۴۰.
۲۹. نساء، آیه ۱۰۷. (وَ لَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا) و نیز ن. ک. حج، آیه ۳۸.
۳۰. یوسف، آیه ۵۲. (ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ)
۳۱. غافر، آیه ۱۹. (يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ)
۳۲. کهف/ ۵۶. (وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ يُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَ مَا أَنْذَرُوا هُزُوعًا)
۳۳. بقره/ ۲۳۱.
۳۴. مؤمنون/ ۱۱۰.
۳۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق، پنجم، ج ۱۸، ص ۲۷۵.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه و تحقیق: رضا ستوده، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ ش، نوبت چاپ: اول، ج ۲۲، ص ۳۷۲.
۳۷. فرقان/ ۴. (وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا)
۳۸. آل عمران/ ۷۸. (وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ)

۳۹. هود/ ۱۸. (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ) و نیز ن.ک. آل عمران/ ۹۴.
۴۰. آل عمران/ ۵۴. (وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ...) .
۴۱. نساء/ ۱۴۲.
۴۲. رعد/ آیه ۳۳.
۴۳. یونس/ ۲۱.
۴۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، تنظیم و ویرایش: علی اسلامی، قم، اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۲۵۳-۲۵۴.
۴۵. توبه/ ۶۷. (... نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)
۴۶. حشر/ ۱۹. (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)
۴۷. طه/ ۱۲۶. (قَالَ كَذَلِكِ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَكَذَلِكِ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ)
۴۸. مائده/ ۱۳-۱۴. (فَبِمَا نَقُضِهِم مِّيثَاقَهُمْ... وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ... «فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَعْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...»)
۴۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق، چاپ اول، ص ۸۰۳.
۵۰. طباطبائی، سید محمد حسین، پیشین، ج ۸، ص ۲۹۵.
۵۱. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۱۱۵.
۵۲. فرقان/ ۵. (وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا)
۵۳. بقره/ ۲۰۹.
۵۴. قلم/ ۷. (إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...) و نیز ن.ک. فصلت/ ۴۰.
۵۵. سبأ/ ۴۳. (... وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤَكُمْ وَقَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا إِفْكٌ مُفْتَرَىٰ...) و نیز ن.ک. بقره/ ۱۷۰. مائده/ ۱۰۴.
۵۶. انعام/ ۶۸. (وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ...)
۵۷. آل عمران/ ۱۹. (... وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ)
۵۸. ص/ ۴. (وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَٰذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ)
۵۹. بقره/ ۷۵. (أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ)
۶۰. مومنون/ ۵۳. (فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلٌّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ)

Typology of negative behavioral encounters with divine verses

Sayyed Nader Mohammadzadeh¹

Receipt: 01/05/2025 Acceptance: 20/05/2025

Morteza Eskandari²

Farhad Edrisi³

Abstract

The Holy Quran talks about all kinds of encounters and behaviors with God's verses; Be it the verses of the Qur'an or the verses of creation. Confrontation with God's verses originates from a person's belief and is expressed in her actions and behavior, and in this way, confrontations are divided into two types of belief and behavior. Some behave in a proper and appropriate manner in front of the divine verses, and some violate the rights of the verses in order to achieve their worldly goals and show inappropriate behavior in front of the verses.

The Quran, due to its educational nature, emphasizes more on negative and inappropriate encounters and mentions more details about negative encounters.

Decent and necessary behaviors such as: seeing and hearing the verses, thinking, understanding and reminding of the verses, gratitude, crying, prostrating and increasing faith in the verses, certainty in them and...

And unbecoming and unseemly behaviors, such as: blindness and deafness to the verses, inattention and negligently and complaints about them, disputing in them, forgetting the verses, belittling and mocking them, looking past the verses and ignoring them, accepting the verses and being removed from them, selling the verses for a small price, oppression and deceit in the right of the verses and blocking people's way to them, disbelief, atheism, obstinacy and Denying the verses and...

This article, hoping to God, aims to firstly extract the negative behavioral encounters with the divine verses, then discuss and examine their original and true nature, and in this way, take advantage of various interpretations, especially mystical interpretations.

Keywords

Typology, verse, behavior, inappropriate

1-Department of Quran and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. mmns2020@gmail.com

2-Department of Religions and Mysticism, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. (Corresponding Author) nmohammadzadeh35@yahoo.com

3-Department of Quran and Hadith Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. fzedrisi@yahoo.com